

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷ | تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

شماره صفحه ۷۴-۵۳

ارجاعات صورت‌گرایانه به پیشینه معماری ایران به‌منظور هویت‌بخشی به مسکن معاصر

پریسا سعیدی

کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
(نویسنده مسئول مکاتبات)

Email: parisa.sdi73@gmail.com

ابوذر صالحی

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

Email: a.salehi@au.ac.ir

محسن افشاری

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

Email: m.afshary@au.ac.ir

چکیده

معماری مسکن معاصر در ایران با پدید آمدن برونگرایی و الگوهای جدید ساختمانی، آنچنان که در گذشته بازتاب‌دهنده هویت و فرهنگ جامعه بود تحقق نیافت و به تدریج دچار بحران هویت شد. بنابراین جریان‌های هویت‌گرایی متعددی شکل گرفت و معماران با رویکردهای گوناگون به پیشینه معماری ایران رجوع و سعی کردند به معماری مسکن معاصر هویت ببخشند. بخشی از این ارجاعات با رویکردهای صورت‌گرایانه همراه بوده است. در این تحقیق جهت تبیین انواع رویکردهای صورت‌گرا و بررسی نمود کالبدی آن‌ها در مسکن، تعدادی از آثار مسکونی معاصر که با دغدغه هویت‌مندی طراحی و اجرا گردیده‌اند گزینش شدند. آثار برگزیده به کمک ابزار مشاهده، جستجو در اسناد و مدارک و بهره‌مندی از نظریات معماران و منتقدان، از منظر صورت‌گرایانه مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار گرفتند تا بدین طریق ارجاعات صورت‌گرایانه به پیشینه معماری ایرانی در آثار استخراج و تفکیک شوند. انواع رویکردهای صورت‌گرا در چند گروه شامل بهره‌گیری از «الگوهای فضایی»، «ایده‌های سازمان‌دهنده فضا»، «عناصر و اجزای کالبدی»، «مصالح رایج»، «نظم و اشکال هندسی رایج» و «رنگ‌های مرسوم» در معماری ایرانی تقسیم شدند. تبیین این زیرمجموعه‌ها، دو رویکرد «ذهنیت‌گرا» و «عینیت‌گرا» را در ارجاعات صورت‌گرایانه معین کرد و میزان توانایی هر کدام را در هویت‌بخشی به مسکن معاصر آشکار ساخت و مشخص نمود که هویت‌بخشی به معماری مسکن معاصر چنانچه با وام‌گیری از وجوه صورت‌گرایانه معماری تاریخی ایران همراه باشد، نیازمند برقراری تعاملی اندیشمندانه میان عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در رویکرد صورت‌گرا است.

کلیدواژه‌ها: هویت‌بخشی، رویکرد صورت‌گرا، معماری تاریخی ایران، مسکن معاصر

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران با عنوان «انواع رویکردها در رجوع به معماری تاریخی در آثار مسکونی معماران معاصر ایران با دغدغه احیای هویت» است که با راهنمایی دکتر ابوذر صالحی و دکتر محسن افشاری در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه هنر اصفهان، دفاع شده است.

مقدمه

ارتباط متقابل میان فرهنگ و معماری ایران عامل اصلی هویت‌مندی معماری ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخ بوده است. همزمان با شروع مشروطیت و دگرگونی در شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، کشور ایران وارد مرحله تازه‌ای شد و پس از کودتای سال ۱۲۹۹ ه.ش لازم دید تا همانند سایر کشورها خود را مدرنیزه کند. معماری یکی از پیشگامان در این زمینه بود (کیانی، ۱۳۸۳، ۲۷). این منوال منجر شد تا منبع الهام، ایده‌های طراحی، شکل معماری، مصالح و شیوه اجرای ساختمان‌ها دگرگون شود و تغییر و تحولاتی در ظاهر و باطن معماری معاصر ایران رخ دهد (بهشتی، ۱۳۹۵؛ اعتصام، ۱۳۷۴). لزوم بهره‌مندی از تکنیک‌ها و مصالح جدید جهت افزایش کارایی، سودمندی، فضاهای و بهره‌گیری از فناوری، معماران را وادار کرد تا در دوره‌ای کوتاه معماری با اندیشه برون‌گرا و نوعی جدید از روابط فضایی بیافرینند (حبیبی، ۱۳۸۵، ۱۳۵). به تدریج معماری اصیل ایرانی به فراموشی سپرده شد و در نتیجه معماری معاصر همانند گذشته ظرف مناسبی برای تداوم فرهنگ و هویت ایرانی نبود؛ چرا که روند آن دچار گسست قابل توجهی از سنت‌ها، تجربه‌های پیشین، انسان‌گرایی و روحیه بومی شده بود (عبدالحسینی، ۱۳۹۰). این مسئله به ویژه در مسکن به وضوح چهره نشان داد و موجب ایجاد تغییرات در سازمان فضایی خانه شد. مسکن با عادات و رفتار مردم جامعه که مقوله‌ای نشأت گرفته از فرهنگ است در ارتباط است. بنابراین بایستی رابطه‌ای متقابل میان مسکن و فرهنگ وجود داشته باشد که موجب تحکیم ارتباط میان انسان و مسکن می‌شود. لازمه آن تداوم معنایی فرهنگ و هویت در معماری مسکن، در عین پذیرش تغییراتی متناسب با شرایط حاضر جامعه و نیازهای کنونی افراد است. این در حالی است که معماری مسکن در دوران معاصر موجب ضعف ارتباط میان مسکن و انسان و در نتیجه عدم هویت‌مندی خانه و رضایت‌مندی ساکنان شده است. در این راستا جریان‌ات هویت‌گرایی متعددی توسط پیشگامان معماری معاصر ایران با هدف هویت‌بخشی به معماری معاصر آغاز شد که در دوره پهلوی به اوج خود رسید و تا به امروز نیز ادامه دارد. معماران در این دوره با رجوع به معماری تاریخی ایران و بهره‌مندی از آموزه‌های آن سعی کردند معماری معاصر را هویت‌مند کنند؛ ولیکن نوع رجوع آنان به پیشینه معماری ایرانی با رویکردهای گوناگونی نظیر رویکردهای صورت‌گرا، مفهومی و اقلیمی همراه بوده است. پژوهش حاضر بر «رویکرد صورت‌گرا» و بر حوزه مسکن متمرکز است و مقصود از آن بهره‌گیری از ویژگی‌های بصری، شکلی و فرمی معماری ایرانی، جهت هویت‌بخشی به معماری معاصر است. معماران هویت‌جو سعی کردند با تکیه بر معماری تاریخی ایران، این ویژگی‌ها را با اصول معماری معاصر و سازماندهی فضایی جدید مسکن ترکیب و در کالبد آن بازتاب کنند و بدین طریق با ایجاد پیوندی میان معماری گذشته و امروز، به مسکن معاصر هویت ببخشند. پرسشی که در این مقطع مطرح می‌شود این است که در آثار مسکونی معاصر چه رویکردهای صورت‌گرایانه‌ای جهت هویت‌بخشی به آن‌ها به کار رفته است؟ این رویکردها چگونه در کالبد آثار مسکونی اعمال گشته‌اند و چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ در این راستا آثار مسکونی معاصر که به اذعان معماران آن با دغدغه هویت‌مندی و با نگاه به معماری گذشته طراحی و اجرا گردیده‌اند، از مهمترین منابعی هستند که می‌توان با بررسی و تحلیل آن، انواع ارجاعات و رویکردهای صورت‌گرایانه در فرایند طراحی و اجرای آثار را استخراج و تبیین کرد. تبیین انواع رویکردهای صورت‌گرایانه‌ای که معماران با رجوع به معماری تاریخی ایران در طراحی مسکن معاصر به کار گرفته‌اند، اقدامی موثر در راستای ارزیابی هویت مسکن محسوب می‌شود؛ چرا که الگوبرداری از وجوه صورت‌گرایانه معماری ایرانی از رویکردهای مهم جریان‌های هویت‌گرایی در دوران معاصر است که به مرور زمان، متناسب با شرایط تحول‌یافته جامعه تغییر کرده و با اندیشه‌هایی متفاوت از اوایل دوران معاصر ارائه گشته است. بنابراین تبیین انواع رویکردهای صورت‌گرا علاوه بر تعیین سیر تحولات اندیشه

معماران، با استناد به نمونه‌های واقعی و موجود، امکان سنجش و مقایسه شیوه‌های گوناگون عملکردی در هر کدام از زیرمجموعه‌های این رویکرد را فراهم کرده و فرصتی برای بهسازی آن‌ها مهیا می‌کند.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌ها و منابع متعددی در خصوص رویکردهای هویت‌گرایی در معماری ایران و رویارویی با تحولات دوران معاصر وجود دارد. در اغلب این منابع نگاه به گذشته و الهام از پیشینه معماری ایران جهت هویت‌بخشی به معماری معاصر، به عنوان یک اندیشه کلی و راهکار معرفی شده است. این پژوهش‌ها را می‌توان در چند دسته بررسی کرد. بخشی از این پژوهش‌ها به شرح نظریه‌های معماری و شهرسازی معاصران معاصر در مواجهه با شیوه‌های جدید معماری و حول موضوع هویت‌گرایی پرداخته‌اند. این تحقیقات بدون تمرکز بر حوزه‌ای معین، دیدگاه‌های هویت‌گرایی را تنها تا اوایل دوره جمهوری اسلامی بررسی کرده‌اند و به نمود کالبدی آن و یا تبیین انواع گوناگون رویکردهای هویت‌گرایی توجه چندانی نشان نداده‌اند (حبیبی، ۱۳۸۵؛ بانی‌مسعود، ۱۳۸۸). دسته‌ای با بررسی برخی آثار شاخص معماری معاصر ایران و فارغ از کارکردی مشخص، رویکردهای هویت‌گرای معماری ایران را در گروه‌هایی کلی نظیر «هویت‌گرایی الگویی» و «هویت‌گرایی شکلی» معرفی کرده‌اند (قبادیان، ۱۳۹۲؛ حمزه‌نژاد و رادمهر، ۱۳۹۶). بخشی دیگر از پژوهش‌ها نیز به برداشت و استخراج مولفه‌ها و ارزش‌های نهفته در پیشینه معماری ایرانی، به طور کلی و نه منحصر به کارکردی معین پرداخته‌اند، آن‌ها را در حیطه مفهوم و کالبد معرفی و بازشناسانده‌اند (مهدی‌نژاد و اوچیزی، ۱۳۹۸) و چگونگی بهره‌مندی از آن‌ها را در حیطه و بخش‌های مختلف معماری جهت هویت‌بخشی به معماری معاصر بررسی کرده‌اند (ممانی، یاری و حقیر، ۱۳۹۷). در خصوص شناخت مفاهیم و ویژگی‌های معماری ایرانی برخی منابع دست اول به طور جامع‌تر نگاشته شده‌اند. برای مثال سه کتاب «خشت و خیال»، «حس وحدت» و «ارزش‌های پایدار در معماری ایران»، از جمله منابعی هستند که هم در شناخت اصول و ویژگی‌های معماری ایرانی قابل توجه‌اند و هم به لحاظ اندیشیدن در مقوله برقراری پیوند میان معماری تاریخی و معاصر ایران قابل استناد هستند (حاجی‌قاسمی و نوایی، ۱۳۹۰؛ اردلان و بختیار، ۱۳۷۹؛ صارمی و رادمرد، ۱۳۷۶). بخشی از تحقیقاتی که به طور خاص بر مسئله هویت در مسکن تمرکز داشته‌اند، آن را برآیندی از هویت‌های عملکردی، کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی دانسته‌اند (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲) یا جهت ارزیابی کیفیت مسکن مبتنی بر مولفه‌های هویت‌مندی، بر شاخصه‌هایی چون کیفیت کالبدی، ساختاری، عملکردی، محیطی و نیازهای انسان تکیه کرده‌اند و بیان داشته‌اند که همسویی بین شاخص‌ها متناسب با زمان و ارتباط متقابل آن‌ها در یک رابطه طولی می‌تواند وحدتی را متضمن گردد که منجر به هویت‌مندی مسکن می‌شود (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵). در این دسته از تحقیقات با تمرکز بر حوزه مسکن به تبیین عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی-اسلامی با مراجعه به نمونه‌های تاریخی پرداخته شده (بمانیان، غلامی‌رستم و جنت‌پناه، ۱۳۸۹) و یا راهکارهایی جهت شکل‌گیری الگوی کالبدی مسکن هماهنگ با مولفه‌های هویت‌مندی در دوره معاصر ارائه شده است (کلانتری خلیل‌آباد، نظام‌دوست و یاران، ۱۳۹۸؛ حسین‌پور، اسکویی و کی‌نژاد، ۱۳۹۷). اینگونه پژوهش‌ها اغلب به دنبال شناسایی آن دسته از مولفه‌های هویت‌سازی هستند که بتوان آن‌ها را با توجه به تغییرات شرایط جامعه و تغییر شیوه زندگی مردم در مسکن معاصر به کار برد. به‌طوریکه همچنان ارزش‌های فرهنگی و هویت مطلوب به دست آید (خدای‌پور، ذبیحی و مفیدی شمیرانی، ۱۳۹۹). نتایج ارائه شده در برخی از این تحقیقات الگوهایی کیفی جهت کاربردی نمودن مطالعات کیفی در طراحی خانه و تلفیق سطوح مفهوم و کالبد را ارائه می‌دهد (بمانیان، غلامی‌رستم و جنت‌پناه، ۱۳۸۹). اگرچه که در تعدادی از تحقیقات میان

ویژگی‌های مفهومی و کالبدی تمایزی لحاظ نگردیده است، در برخی دیگر به بررسی ضریب اهمیت و وزن هر کدام از ویژگی‌های مفهومی و کالبدی معماری ایرانی نسبت به یکدیگر، جهت وامگیری از آن‌ها در معماری معاصر پرداخته شده است (ثمین شریقی میاوقی، یعقوبی سنقرچی و حق لسان، ۱۳۹۸). در حالیکه اغلب در بازشناسی مولفه‌های هویت‌ساز، وزن ویژگی‌های مفهومی معماری ایرانی را بیشتر شمرده‌اند، برخی تحقیقات نیز ویژگی‌های کالبدی را مورد تاکید قرار داده‌اند و کالبد را زبان یا واسطی برای انتقال مفهوم فضا به انسان بیان نموده‌اند که به عنوان ابزاری کارآمد در اختیار طراحان و معماران قرار دارد و در برگیرنده اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و فرهنگ یک جامعه است (آهوپی، احمدی دیسفانی و کلانتری خلیل‌آباد، ۱۴۰۰). اینگونه پژوهش‌ها در حوزه بررسی اهمیت هویت در کالبد معماری و تاثیر آن بر ارتقای کیفیت فضای معماری ایرانی معتقدند آنچه هویت ایرانی را به ویژه در معماری متمایز می‌کند، ارتباط رفتارهای متکی بر روان انسان با محیط کالبدی و فرهنگی او است (مهدی‌نژاد و اوچیزی، ۱۳۹۸).

تفاوت اصلی پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین در این حوزه، در رویکرد، مسیر و روش آن است. در تحقیق حاضر انواع ارجاعات صورت‌گرایانه به پیشینه معماری ایرانی از طریق روشی نوین با بررسی و تحلیل نمونه‌هایی از مسکن معاصر در دهه‌های اخیر که به اذعان طراحانش با دغدغه هویت‌مندی طراحی و اجرا شده‌اند استخراج گردیده است. بنابراین در ابتدا هیچ پیش فرضی در برداشت و تبیین راهکارها نبوده و داده‌ها از نمونه‌های حقیقی برآمده‌اند (نظریه داده‌بنیان) و سپس به روش توصیفی-تحلیلی شرح داده شده‌اند. در حالیکه در سایر پژوهش‌ها، ویژگی‌ها و عناصر هویت‌ساز جهت بهره‌مندی در معماری معاصر، یا به طور پیش فرض بررسی شده‌اند و یا منشاء برداشت آن‌ها نمونه‌های تاریخی معماری ایران بوده است. به علاوه در خصوص چگونگی اعمال این ویژگی‌ها بر کالبد مسکن معاصر نیز صحبتی به میان نیامده است.

مبانی نظری تحقیق

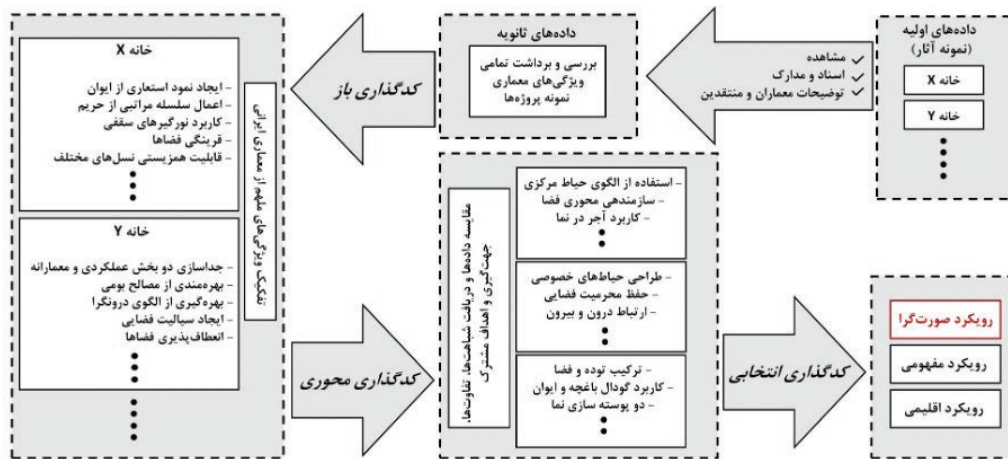
از منظر معماری تعاریف متعددی توسط صاحب نظران برای مفهوم هویت آورده شده که هر کدام با زاویه دیدی متفاوت به آن پرداخته‌اند. علت وجود تعاریف متعدد برای مفهوم هویت هم بینش و زاویه دیدهای گوناگون افراد نسبت به آن و هم تغییر و تحول مفهوم آن در زمان‌ها، مکان‌ها و حوزه‌های مختلف است. بدین معنا که مفهوم هویت خود هویت ثابتی ندارد و به طور همزمان هم یک عنصر ایستا و هم پویا است؛ از طرفی بیانگر تداوم و استمرار است و از طرفی دیگر مفهوم بازآفرینش و باز تعریف را دارد (قطبی، ۱۳۸۷). واقعیت این است که توافق عامی بر معنا و مفهوم هویت وجود ندارد و معماران آن را در برداشت‌های شخصی خود انعکاس می‌دهند. هرگاه مسکن بر اساس فرهنگ به گونه‌ای معماری شود که انسان قادر باشد با آن به واسطه ارزش‌ها و ویژگی‌های خودی که بر روی الگوهای رفتاری، فعالیت‌ی و شیوه زندگی تاثیرگذار است، به راحتی ارتباط برقرار کند و نیازهایش را تامین کند، در آن صورت معماری هویت‌مند شکل گرفته است (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲). مقصود از این ارزش‌ها در تحقیق حاضر بهره‌مندی از ویژگی‌های شکلی معماری ایرانی در ارتباط با نیازهای افراد است که می‌تواند در عین توجه به ملزومات فرهنگی شامل راهکارها و راهبردهای کلی طراحی معماری نیز باشد. این راهبردها به عقیده بور تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که در شناخت یک مکان و خوانایی آن تاثیرگذار است و حس دل‌بستگی و حساسیت محیط را به وجود می‌آورد که می‌تواند در نهایت به هویت‌مندی منجر شود (قطبی، ۱۳۸۷).

اغلب درک هویت‌مندی مسکن توسط مردم از طریق رفع نیازهای برآمده از فرهنگ آن‌ها صورت می‌گیرد. در معماری خانه ایرانی بخشی از این نیازها در ازای کاربرد ویژگی‌های شکلی و فرمی تامین گردیده که در

عملکرد مطلوب فضاها نیز تاثیرگذار بوده است. بررسی و تحلیل برخی آثار مسکونی معاصر نشان می‌دهد که بهره‌مندی از ویژگی‌های شکلی و فرمی معماری ایرانی در مسکن معاصر می‌تواند در عملکرد مطلوب فضا، پاسخگویی به نیازهای ساکنان و هویت‌مندی آن تاثیرگذار باشد. در این حالت در مواردی اقتباس از صورت معماری ایرانی ممکن است در ظاهر قابل تفکیک و شناسایی توسط مخاطبان نباشد اما در مواردی نیز شکل و فرم‌های وامگیری شده از معماری ایرانی به راحتی توسط ساکنان قابل شناسایی است و حس نوستالژیک را در آن‌ها برمی‌انگیزاند که به دنبال آن نوعی حس تعلق و یا دلبستگی در مخاطب ایجاد می‌شود. کانتز نیز در این خصوص معتقد است که ویژگی‌های کالبدی از مولفه‌هایی است که دلبستگی به محیط را که نتیجه پاسخگویی صحیح فضا به نیازهای برآمده از فرهنگ است افزایش می‌دهد. (canter, 1977) در هر دو حالت مذکور، مسکن و فضاهای آن به واسطه پاسخگویی به نیازهای ناشی از فرهنگ و یا شکل و صورت آشنا می‌تواند در نهایت موجب هویت‌مندی گردد. بهره‌مندی از ویژگی‌های شکلی معماری ایرانی در کالبد مسکن معاصر در برخی موارد ممکن است تنها به مثابه راهکار و راهبردهای طراحی جهت بهره‌مندی از آورده‌های مثبت آن باشد. اما همزمان صورت معماری ایرانی را تداعی می‌کند و در عمل نیز پاسخگوی نیازها و ملزومات فرهنگی است؛ که در این حالت وامگیری از معماری ایرانی نیز تعبیر می‌شود. بنابراین چنین همپوشانی می‌تواند مثبت تلقی شود. در واقع هویت تداوم ارزش‌های خودی از طریق پیوند با گذشته در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳). در این تحقیق ارزش‌های خودی همان صورت معماری ایرانی است و شرایط زمانه نیز همان راهکارها و راهبردهای طراحی معاصر می‌تواند تعبیر شود که در برخی نمونه آثار بین آن‌ها با ملزومات فرهنگی معماری ایرانی اشتراکاتی وجود دارد.

روش تحقیق

جهت تبیین و تحلیل انواع رویکردهای هویت‌جو در آثار مسکونی معاصر، تعدادی از پروژه‌های مسکونی به عنوان نمایندگانی از نگرش‌های گوناگون در هویت‌بخشی و ایرانی‌سازی مسکن متناسب با شرایط جدید جامعه انتخاب گردیدند. نمونه پروژه‌های برگزیده^۱ به اذعان طراحان و منتقدان آن، مصداق عینی و نمود کالبدی تلاش معماران معاصر در راستای بازآفرینش هویت معماری ایرانی در مسکن معاصر است. این آثار بازه‌های زمانی (از پهلوی دوم تا کنون) و گونه‌های متنوعی را اعم از آپارتمان، مجموعه‌های مسکونی و خانه‌های ویلایی در برمی‌گیرد. در ادامه انواع رویکردهای هویت‌جو در مسکن معاصر بدون پیش فرض و با استفاده از «نظریه داده بنیان» (Strauss and Corbin, 1994) استخراج و تبیین گردیدند. بدین صورت که در ابتدا آثار منتخب با استفاده از ابزار مشاهده، اسناد و مدارک و توضیحات معماران و منتقدان، به طور ریزبینانه بررسی شدند و در مرحله «کدگذاری باز»، آن دسته از ویژگی‌هایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم اقتباساتی از معماری ایرانی را در برداشت، تفکیک و مجزا شدند. در گام بعدی و در مرحله «کدگذاری محوری» داده‌های تفکیک شده به طور مستمر با یکدیگر مقایسه شدند تا تفاوت و شباهت‌های آن‌ها به دست آید و بدین طریق جهت‌گیری، اهداف نهفته و ارتباط میان آن‌ها آشکار شود. در مرحله آخر که «کدگذاری انتخابی» است، متغیرهای کلی و اصلی تحقیق برگرفته از داده‌های زمینه‌ای و واقعی، شامل رویکردهای «صورت‌گرا»، «مفهومی» و «اقلیمی» به همراه زیرمجموعه‌های آنان به دست آمد (شکل ۱). تحقیق حاضر با تمرکز بر «رویکرد صورت‌گرا» به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی و تحلیل زیرمجموعه‌های این رویکرد و نمود آن‌ها در مسکن معاصر پرداخته است.



شکل ۱. نمودار مسیر تحقیق

تحلیل یافته‌ها: انواع رویکردهای صورت‌گرا در رجوع به پیشینه معماری ایران

مقصود از رویکرد صورت‌گرا در رجوع به پیشینه معماری ایران، وام‌گیری از وجوه صورت‌گرایانه آن جهت هویت‌بخشی به کالبد مسکن معاصر، متناسب با سازمان فضایی جدید مسکن و شرایط تحول یافته زندگی مدرن است. در ادامه با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل آثار، به تشریح زیرمجموعه‌های گوناگون رویکرد صورت‌گرا پرداخته شده و تصاویر برخی نمونه‌ها جهت درک بهتر مطلب آورده شده است.

بهره‌گیری از الگوهای فضایی معماری ایرانی

حیاط مرکزی

یکی از مهم‌ترین الگوهای معماری تاریخی ایران، حیاط مرکزی است که موجب سازماندهی فضاهای پیرامون خود می‌شود. برخی معماران به منظور باززنده‌سازی هویت معماری ایرانی و ایجاد پیوند میان معماری امروز و گذشته در مسکن، به بازآفرینی الگوی حیاط مرکزی پرداخته‌اند و آن را با الگوی رایج قرارگیری حیاط در مسکن امروز که به صورت جنوبی است پیوند داده‌اند. بنابراین این الگو که در گذشته تنها برای یک یا دو طبقه و یک خانواده استفاده می‌شد، امروزه در آپارتمان‌های چند طبقه با مالکان متفاوت نیز استفاده شده است. بهره‌مندی از الگوی حیاط مرکزی در مسکن معاصر علاوه بر بازتاب اصل درونگرایی در معماری ایرانی، موجب تامین منظر، نور و تهویه طبیعی واحدها از وجوه بیشتر، افزایش تعاملات همسایگی و ارتباط بصری و فیزیکی با فضای باز، شاخص‌سازی بسترهای عمومی و تعامل‌پذیر و تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی در درون و بیرون می‌شود. به‌طوریکه در مواردی حیاط، عملکردی مانند محله‌های مسکونی می‌یابد و با ارائه کیفیت‌هایی گوناگون، قابلیت میزبانی فعالیت‌ها و الگوهای متفاوت رفتاری (به صورت تکی و جمعی) را دارد (شکل ۲).



مجتمع کامرانیه
منبع: خاقانپور شاهرزایی و خوبی، ۱۳۹۶

خانه کاشان
منبع: www.caoi.ir

مجموعه ولنجک
منبع: خاقانپور شاهرزایی و خوبی، ۱۳۹۶

مجتمع باغونک
منبع: www.aoapedia.ir

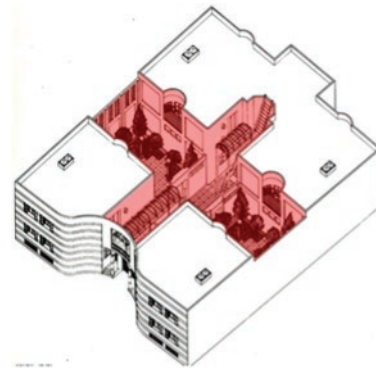
شکل ۲. پیوند الگوی حیاط مرکزی با حیاط جنوبی

چهار صنفه

چهار صنفه یا میانخانه یکی از کهن‌ترین الگوهای معماری تاریخی ایران است که می‌توان شماییلی از آن را در نمونه‌های مسکن معاصر، علیرغم تفاوت‌هایی در نوع چیدمان، تعداد و یا شیوه قراردادی فضاها نسبت به نمونه‌های تاریخی مشاهده کرد. نمونه‌هایی از کاربرد الگوی چهار صنفه در مسکن معاصر را می‌توان در ایجاد ترکیبات فرمی و بازی با سیرکولاسیون فضاها (شکل ۳) و ایجاد طیف‌های گوناگونی از فضاهای خلوت تا جمع (شکل ۴) مشاهده کرد. به نظر می‌آید یکی از اهداف بهره‌گیری از الگوهای حیاط مرکزی و چهار صنفه در مسکن معاصر، یادآوری اصل درونگرایی معماری ایرانی باشد؛ چرا که اساسا معماری ایرانی بر مبنای توجه و تاکید به درون است. به‌طوریکه در درون شکل می‌گیرد و از بیرون به طور کامل فهمیده نمی‌شود (حاجی قاسمی، ۱۳۹۱). گویی پوسته ظاهری اطراف برای محافظت از هسته درونی ایجاد گشته و موجب شده تا مقصود نهایی (هسته درونی) از چشم‌ها و دست‌ها دور بماند و تنها زمانی درک و کشف شود که مخاطب به درون آن راه یابد (حاجی قاسمی و نوایی، ۱۳۹۰).



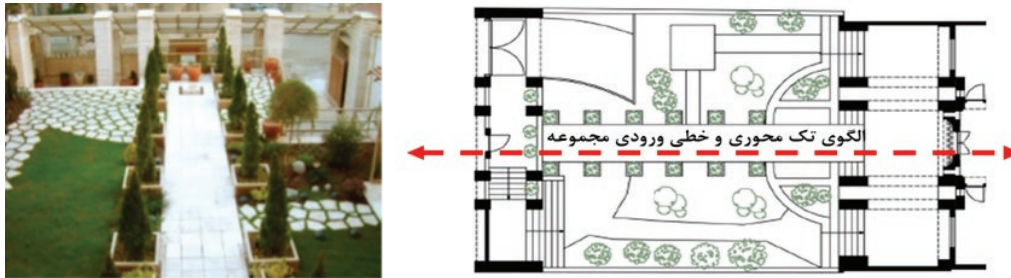
شکل ۴. آپارتمان ملک، نقش الگوی میانخانه با مرکزیت فضای نشیمن (سمت راست) و حیاط خصوصی (سمت چپ) در ایجاد سلسله مراتبی از حریم و طیفی از فضاهای خلوت تا جمع
منبع: www.hamaanstudio.com



شکل ۳. مجتمع جلفا، نقش الگوی چهار صنفه در سازماندهی مجموعه
منبع: www.tajeerarch.com

باغ ایرانی

برخی از معماران با طراحی مسیرهای حرکتی به صورت تک محورهای مستقیم‌الخط و کم‌عرض در حیاط اصلی آپارتمان‌ها و مجموعه‌های مسکونی، سعی کرده‌اند با ایجاد شمایی از هندسه باغ ایرانی به بنا هویت ببخشند. آنان با قرار دادن و تکرار عناصری نظیر آبنا و گیاهان در طرفین و طول محور حرکتی، علاوه بر تنوع‌بخشی به فضا، بر محور تأکید کرده و موجب شدند تا مخاطب در حین حرکت در مسیر خطی حیاط، تصویر و یا حال و هوایی از باغ‌های ایرانی در ذهنش تداعی گردد (شکل ۵).

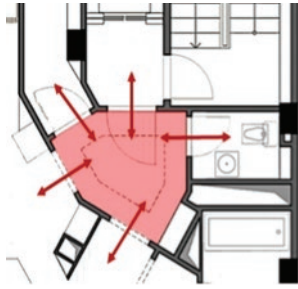


شکل ۵. مجتمع بهاران، وامگیری از الگوی باغ ایرانی با استفاده از ایجاد محور حرکتی مستقیم‌الخط در حیاط

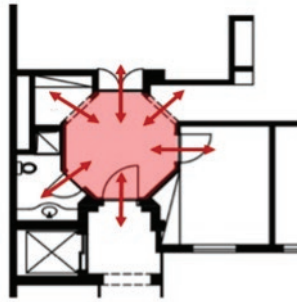
منبع: www.archline.ir

الگو و کارکرد تک فضاهای معماری ایرانی

کارکرد مخصوص و ویژگی‌های کالبدی نظیر مقیاس، تعداد بازشو و نورگیر، جهت‌گیری، ارتفاع، شیوه ارتباط با سایر فضاها، میزان حریمیت و ارتباط با فضای بیرون (فضای باز، نیمه باز یا بسته)، نظم، هندسه و ... موجب شده است تا انواع فضا در خانه‌های تاریخی ایران عنوانی خاص گرفته و از اجزا و عناصر کالبدی ویژه‌ای تشکیل شده باشد. این فضاهای معماری متنوع و انعطاف‌پذیر به همراه اجزای تشکیل‌دهنده آن، نمود کالبدی یکی از چندین وجوه صورت‌گرایانه هویت‌مندی در معماری تاریخی ایران است. امروزه برخی معماران جهت احیای هویت در مسکن سعی کرده‌اند نمودی از برخی فضاهای معماری ایرانی همچون «جلوخان»، «هشتی»، «دالان» و ... را در کالبد بنا اعمال کنند (شکل ۶-۷ و ۱۰). بهره‌برداری از این الگوها و پیوند آن با سازمان فضایی جدید خانه موجب تعریف حریمی قابل دفاع جهت مکت، انتظار یا تعامل، ایجاد سلسله مراتب حریمیت، تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی، تأمین امنیت نسبی، شاخص‌سازی فضاهای برجسته نظیر ورودی و ... شده است. همچنین همنشینی این فضاها در کنار یکدیگر در مواردی منجر به شکل‌گیری دستگاه ورودی با شمایل و کارکردی مشابه با معماری ورودی ابنیه تاریخی شده است (شکل ۹). به طور کلی معماران، اینگونه فضاها و همچنین اجزا و عناصر آن را یا به صورت مستقیم با همان شکل و شمایل گذشته به کار برده‌اند (شکل ۷ و ۱۰) و یا به طور غیرمستقیم و انتزاعی با شکلی امروزی ارائه داده‌اند (شکل ۶ و ۸). بدین معنا که گاهی به جای اقتباس عینی و یا بهره‌مندی از کاربرد فضا درست در همان شکل و موقعیتی که در گذشته به کار رفته، برداشت از فرم و شکل فضا با تغییراتی جزئی همراه بوده است. این تغییرات عمدتاً می‌تواند جهت سازگاری و تطابق با شیوه معماری روز باشد و بر اثر پیوند با سازماندهی فضایی جدید و یا تکنولوژی روز اتفاق افتد. در این حالت شکل و فرم فضا یا عناصر آن علیرغم پذیرفتن تغییراتی جزئی، همچنان تا میزانی با نمود آن در گذشته شباهت دارد. مثال‌های دیگری نیز در نمونه‌های برگزیده در باب برداشت از الگوی تک فضاهای معماری ایرانی نظیر گودال باغچه و انواع ایوان می‌توان عنوان کرد؛ ولیکن به نظر می‌رسد هدف معمار از کاربرد آن‌ها برداشت صورت‌گرایانه نبوده و متمرکز بر ملاحظات اقلیمی است.



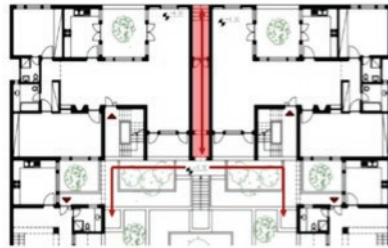
شکل ۸. مجتمع آجریوش، برداشت انتزاعی از الگوی هشتی در ورودی واحد
منبع: www.caoi.ir



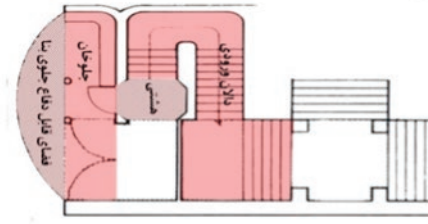
شکل ۷. مجتمع بهاران، برداشت عینی از الگوی هشتی در ورودی واحد
منبع: www.archline.ir



شکل ۶. مجتمع فرایبورگ، برداشت انتزاعی از جلوخان با الگوبرداری از «ایوان ورودی» در خانه‌های ایبانه
منبع: www.mianoffice.com



شکل ۱۰. مجموعه ولنجک، ارائه‌ی سلسله مراتبی از ورود به بنا با برداشت مستقیم از دالان ورودی در معماری تاریخی
منبع: خاقانپورشاهرضایی و خوبی، ۱۳۹۶



شکل ۹. خانه افشار، همنشینی اجزای فضای ورودی معماری تاریخی و تشکیل دستگاه ورودی با کارکرد و شمایی مشابه با گذشته،
منبع: www.aoapedia.ir

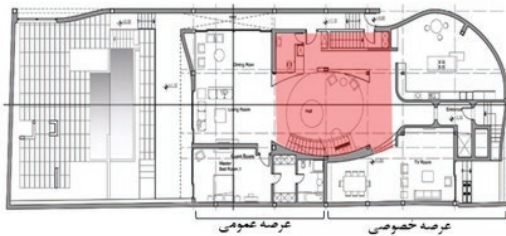
ایده‌های سازمان‌دهنده فضا در معماری ایرانی

یکی از مهمترین ویژگی‌های معماری خانه‌های ایرانی، سازماندهی فضایی آن‌ها است که از طریق موقعیت و توالی قرارگیری عناصر ثابت فضا نظیر دیوارها، سقف و کف به وجود می‌آید (حبیبی، ۱۳۸۵، ۱۳۳). سازماندهی فضای مسکن در ایران با توجه به عقبه فرهنگی و شیوه زندگی مردم از اصول ویژه‌ای پیروی می‌کند و دارای انتظام به دو شیوه مرکزی و محوری است. بدین معنا که عناصر فضا حول یک مرکز یا محور سازماندهی می‌شوند. در مواردی نیز سازماندهی فضا ترکیبی از نظام فضایی مرکزی و محوری است (غفاری‌سده، ۱۳۷۳).

انتظام مرکزی

از مهمترین اصول معماری ایرانی در سازماندهی فضاها حضور یک هسته در مرکز و قلب بنا است که تمام اجزای بنا را به هم دوخته و وحدتی منسجم در آن ایجاد می‌کند. علیرغم اینکه اولین نمود انتظام مرکزی در معماری خانه ایرانی با ایجاد حیاط مرکزی متجلی گشته است، ولیکن با بررسی آثار برگزیده مشاهده می‌شود که بهره‌گیری از نظام فضایی مرکزی تنها به استفاده از این الگو ختم نشده و به شکل‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف خانه ظاهر گشته و کارکردهای متفاوتی پذیرفته است؛ چرا که اساساً مرکزگرایی قابلیت مدیریت و تنظیم فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری (حبیبی، ۱۳۸۵، ۲۳۸)، ارائه سلسله مراتبی از حریم‌ها، تقسیم فضاها و تامین دسترسی به آن‌ها به مانند مفصل ارتباطی و همچنین تاکید بر اهمیت و نقش پررنگ یک فضا

را با توجه به کارکرد آن دارد (شکل ۱۱-۱۳). چنین قابلیت‌هایی را نه تنها حیاط مرکزی بلکه سایر فضاها با مرکزیت خود می‌توانند بپذیرند. در مواردی نیز سازماندهی مرکزی فضا با اقتباس عینی از الگوهای تاریخی و مرکزیت فضاهایی با کارکرد مشابه در گذشته صورت گرفته است (شکل ۱۴).



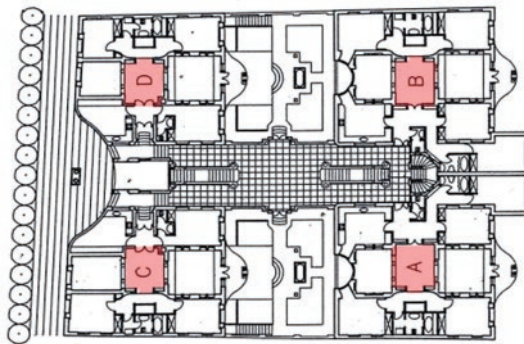
شکل ۱۲. بست‌خانه، تفکیک حریم‌های خصوصی و عمومی از طریق انتظام مرکزی

منبع: www.caoi.ir



شکل ۱۱. مجتمع یک خانه دو نسل سه واحد، تاکید بر اهمیت نقش فضای نشیمن خانواده با انتظام مرکزی

منبع: www.caoi.ir



شکل ۱۴. مجتمع جلفا، سازماندهی مرکزی فضا با اقتباس عینی از یک نظام معماری مشخص (خانه‌های تاریخی اصفهان)

منبع: www.tajeerarch.com



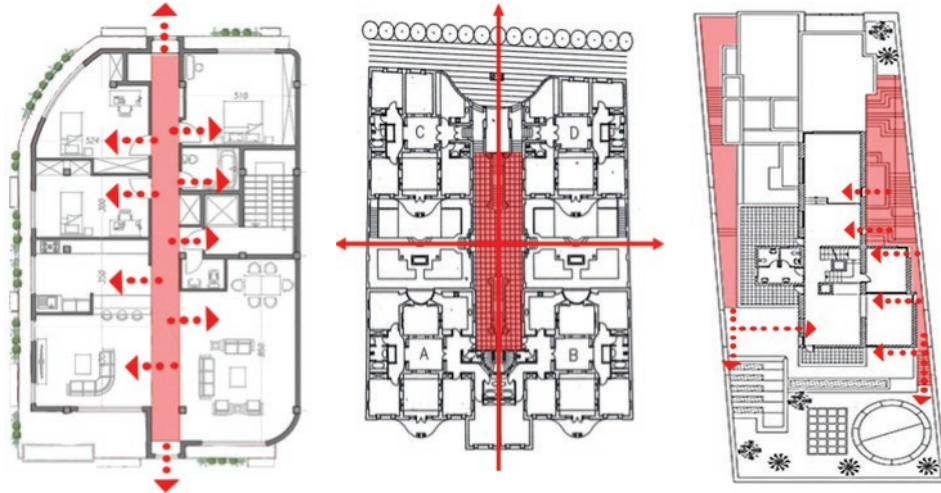
شکل ۱۳. آپارتمان شهرپور، تامین دسترسی و ایجاد مفصل ارتباطی با استفاده از نظام فضایی مرکزی

منبع: کرمانیان، ۱۳۸۴

انتظام محوری

محورگرایی یکی دیگر از اصول سازماندهی فضا در معماری ایرانی است که به معنای توجه و تاکید بر محورها و چیدمان فضاها حول آن تعبیر می‌شود. انتظام محوری علاوه بر آنکه موجب انسجام اجزای تشکیل دهنده اثر می‌شود، فضاهای گوناگون اعم از باز و بسته را بهم پیوند می‌دهد و بدین طریق در مواردی دسترسی‌های متنوعی را از درون به بیرون و بالعکس پدید می‌آورد. در نتیجه، مخاطب نیز گزینه‌های متعددی در انتخاب مسیر خود برای راه یافتن به درون یا بیرون بنا دارد (شکل ۱۵ الف). محورهای ارتباطی در بنا به مانند ستون فقرات آن می‌مانند و گاهی به عنوان محور تقارن، فضاهای اطراف خود را نسبت به یکدیگر قرینه می‌کنند (شکل ۱۵ ب). به طور کلی محورگرایی در بنا باعث می‌شود تا پویایی بنا افزایش یافته و همواره جهاتی برای هدایت مخاطب وجود داشته باشد. بدین طریق حرکت در فضا طلبیده می‌شود و کیفیات گوناگون فضا به انسان منتقل و فضا توسط او درک می‌شود. به همین دلیل نظام فضایی محوری به نوعی ویژگی روایتگر دارد و موجب ترغیب انسان به حضور در فضا می‌شود (حمزه‌نژاد و رادمهر، ۱۳۹۶). حضور، حرکت و فعالیت انسان در فضا از طریق ایجاد محورهای حرکتی در مجموعه‌های مسکونی، نه تنها موجب سرزندگی بنا و افزایش تعاملات

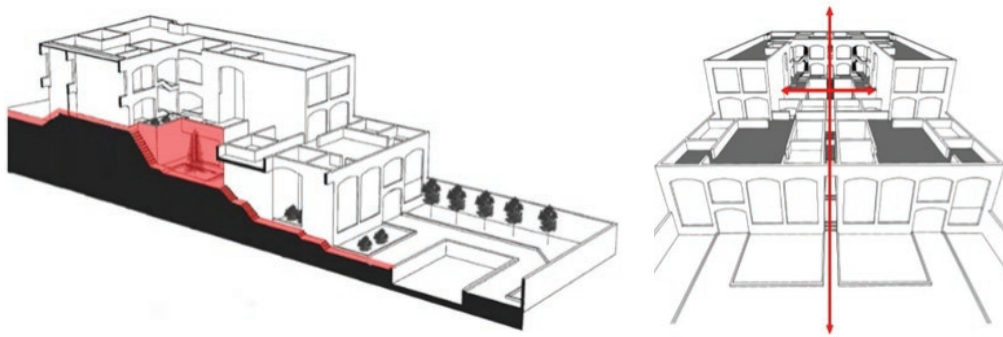
همسایگی و امنیت می‌شود، بلکه می‌تواند حس و حالی از کوچه‌های باریک و بن‌بست محله‌های پویا و قدیمی ایران را برای مخاطب زنده کند (شکل ۱۵ ب). با توجه به اینکه یکی از کارکردهای ثابت نظام فضایی محوری نقشی است که در برقراری ارتباط میان بخش‌های مختلف یک بنا ایفا می‌کند، بایستی توجه داشت که ایجاد یک محور یا مسیر حرکتی در عرصه‌های بیرونی مجموعه و یا داخلی واحدها، همراه با تنوع فضایی به طرق مختلف، نظیر بازی با نور، تنوع در رنگ و جنس مصالح و یا ایجاد ریزفضاهایی با کارکرد و مقیاس‌های متفاوت در طرفین محور باشد تا بدین طریق محورهای حرکتی کیفیتی فراتر از راهروهای ارتباطی بیابند (شکل ۱۵ ج).



شکل ۱۵. الف) خانه کوهبر، پیوند فضاهای باز و بسته و ایجاد تنوع دسترسی از درون به بیرون و بالعکس، منبع: علیزاده، ۱۳۹۶ / ب) مجتمع جلفا، ایجاد ارتباط میان واحدها و حیاطها، قرینه‌سازی فضاها و ایجاد نمودی انتزاعی از کوچه‌های بن‌بست محلات مسکونی با استفاده از انتظام محوری، منبع: www.tajeerarch.com / ج) مجتمع سایه‌ها، تفکیک حریم خصوصی و عمومی با انتظام محوری، کیفیتی دهی به محور حرکتی و برجسته کردن نقش آن با ایجاد ریزفضاهای بسته و باز در طرفین، تنوع در مصالح و رنگ، منتهی شدن به نور و ...، منبع: www.aoapedia.ir

ترکیب نظام فضایی مرکزی و محوری

گاهی کاربرد دو محور متقاطع و عمود بر هم موجب شکل‌گیری نظام فضایی مرکزی و محوری با هم می‌شود (نوایی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰، ۶۱-۵۹). در این حالت دو مفهوم متضاد حرکت و سکون توأمان با هم ایجاد می‌گردد. گویی مخاطب به هیچ‌سویی کشیده نمی‌شود و یا کشش به هر سو با کشش جهت مقابل آن خنثی می‌شود. در واقع معمار با استفاده از تقاطع محورهای عمود بر هم نوعی بی‌جهتی در فضا به وجود می‌آورد که ضمن کمال بخشی به فضا، تاکید بر مرکز دارد (حاجی قاسمی، ۱۳۹۱، ۱۲) (شکل ۱۶). بنابراین تعامل و ترکیب دو مفهوم متضاد محور و مرکز و یا سازماندهی فضا به شیوه مرکزی - محوری می‌تواند در عین تاکید بر حرکت در جهتی مشخص، موجب سکون و بی‌جهتی شود. این تنوع فضایی هندسی در معماری ایرانی، حواس پنج‌گانه، قوای عقلی و روحی انسان را مخاطب قرار می‌دهد و بر آن تاثیر قابل توجهی می‌گذارد (حمزه‌نژاد و رادمهر، ۱۳۹۶).

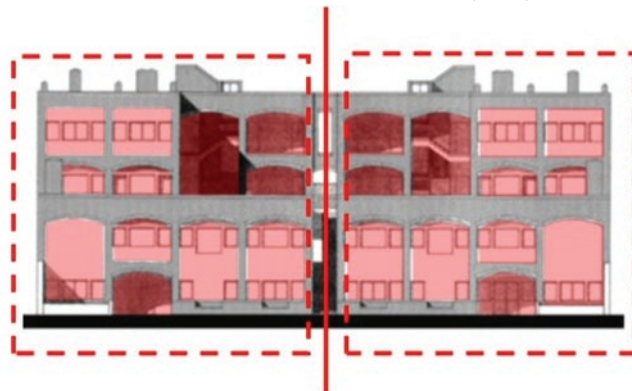


شکل ۱۶. مجموعه ولنجک، تقابل مرکز و محور در سازماندهی فضا و همنشینی دو مفهوم متضاد سکون و حرکت
منبع: خاقانپورشاهرضایی و خوبی، ۱۳۹۶

اصول همنشینی اجزا در معماری ایرانی

اصول همنشینی اجزا قواعدی هستند که در معماری ایرانی به کمک آن‌ها اجزای سازنده نما، پلان یا حتی حجم بنا، با یکدیگر ترکیب شده و مانع از ایجاد اغتشاشات بصری و کالبدی می‌شوند؛ به‌نحویکه توازن، تناسب، یکپارچگی و تعادل بصری مطلوب را محقق کنند. معماری تاریخی ایران همواره با رعایت و بهره‌مندی از برخی اصول، موجب برابری، هم‌ترازی یا همبستگی وزن‌های بصری در نمای بنا شده است. به عبارتی معماری ایرانی علیرغم آنکه مجموعه‌ای به هم پیوسته از اعضا و اجزا را عرضه می‌کند، به گونه‌ای است که همه اعضا شخصیت منحصر به فرد خود را حفظ می‌کنند و این به دلیل نظم و تعادلی است که از طریق کاربرد اصول «تقارن» (ایجاد اتحاد و یکپارچگی و تاکید بر محوریت فضاها)، «تکرار» (ایجاد ریتمی موزون در فضا و القای بی‌جهتی)، «تضاد» (برجسته ساختن تاکیدها، تمایزها و گوناگونی‌ها) و «قاب‌بندی» (تفکیک سطوح و ایجاد تعادل میان فضا و ماده) در کل مجموعه موج می‌زند (حاجی‌قاسمی، ۱۳۹۱). بهره‌گیری از این اصول موجب می‌شود تمام نیروهای بصری در نما یکدیگر را خنثی کنند و آرامشی نسبی در آن برقرار سازند و بدین طریق باعث وحدت شکلی و استحکام بصری در بنا شوند (حبیبی، ۱۳۸۵، ۳۲۱) (شکل ۱۷).

مهمترین جلوه‌گاه اعمال اصول مذکور با توجه به نمونه‌های تحلیل شده، در نمای ساختمان با چیدمان اجزای تشکیل‌دهنده نظیر شکل‌ها، بازشوها، نورگیرها و ... در پلان با سازماندهی فضاها و اجزای کالبدی در کنار هم و در حجم بنا با ترکیب احجام و فرم‌ها است.



شکل ۱۷. مجموعه ولنجک، قرینه‌سازی نمای مجموعه به محوریت مسیر ورودی، تبدیل نما به دو حجم مجزای متقارن با تکرار ریتمیک و موزون قاب‌بندی‌ها، تفکیک سطوح و ایجاد تعادل میان فضا و ماده

منبع: خاقانپورشاهرضایی و خوبی، ۱۳۹۶

عناصر و اجزای کالبدی معماری ایرانی

هر فضایی در معماری ایرانی متناسب با کارکرد ویژه‌اش از اجزایی تشکیل شده است که آن را جهت پاسخگویی به عملکرد و اقتضای فضا مجهز می‌کند. شکل منحصر به فرد این اجزا و عناصر باعث شده است تا برخی معماران از آن‌ها برای شاخص‌سازی انواع فضا در مسکن معاصر و هویت و تنوع بخشی به آن بهره گیرند. عناصر و اجزای تشکیل دهنده فضا را می‌توان از بدوی‌ترین و اصلی‌ترین آن‌ها نظیر انواع پوشش دهانه و سقف، همانند قوس، گنبد، گلجام و ...، تا سایر اجزا و عناصر فضا ساز ریز و درشتی که در تحقق کارکرد فضای معماری ایرانی نقش داشته‌اند، همچون طاقچه، ارسی و ... در نظر گرفت (شکل ۱۸). بهره‌گیری از صورت و شکل این اجزا و عناصر در معماری معاصر، حتی در صورتی که کارکرد اصلی آن در معماری ایرانی را حفظ نکرده باشد و یا به نحوی انتزاعی ارائه شده باشد، همچنان موجب تجسم تصویری از معماری ایرانی در ذهن مخاطب و تداعی حال و هوایی از آن برای وی می‌شود.



خانه مادر
(www.archline.ir)

یک خانه دو نسل سه واحد
(www.caoi.ir)

بست‌خانه
(www.caoi.ir)

آپارتمان اجرپوش
(www.caoi.ir)

خانه کاوه
(www.arel.ir)

شکل ۱۸. برداشت مستقیم و انتزاعی از عناصر و اجزای کالبدی معماری ایرانی در انواع فضاهای مسکن معاصر

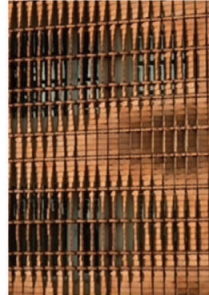
مصالح رایج در معماری ایرانی

نمای بنا در الگوهای جدید ساختمانی در درجه نخست توجه و یکی از بارزترین جلوه‌های بنا است؛ چرا که در اولین مواجهه مخاطب کاملاً در معرض دید قرار می‌گیرد و شخصیت و هویت ساختمان را به وی می‌شناساند. برخی معماران برای بازتاب هویت معماری ایرانی، از مصالح رایج و بومی معماری تاریخی در نمای ساختمان بهره می‌گیرند و آن را به عنوان یکی از راهکارهای هویت بخشی به کالبد معماری معاصر تلقی می‌کنند؛ چرا که در جوامع سنتی نظیر ایران، مصالح بومی ساخت ابنیه دارای هویت تاریخی‌اند. گویی این مواد و مصالح، تاریخ و هویت سرزمین را با خود حمل می‌کنند و موجب بخشیدن منزلت و اعتبار به بنا می‌شوند. اگرچه استفاده از مصالح بومی و هم‌نشینی آن‌ها در کنار هم در معماری معاصر همانند گذشته می‌تواند توجیه اقتصادی، تکنیکی و اقلیمی نیز داشته باشد، اما به نظر می‌رسد جدای از آن، تصویر آشنا و رنگ و بویی که از معماری تاریخی ایران تداعی می‌کند از جمله دیگر دلایل استفاده از آن باشد. برای مثال یکی از مهمترین و رایج‌ترین مصالح ساختمانی معماری ایرانی، آجر بوده است. آجر در طول تاریخ معماری ایران طیف وسیعی از اشکال و حداکثر تنوع بصری را با استفاده از کالبد استاندارد خود به وجود آورده است. معماران معاصر از طریق پوشاندن نمای بنا با آجر و بخشیدن تنوع به آن با استفاده از کیفیات گوناگونی که از طریق تکنیک و روش‌های چیدمانی مختلف آجر (مشبک و مجوف‌سازی، فخرمدین، هشت و گیر، موجدار و ...) بدست می‌آید، تلاش می‌کنند تا علاوه بر ارائه کیفیات گوناگونی از حضور نور در فضا و کنترل حریم بصری، مخاطب نیز با بنا ارتباط برقرار کند و تصویری آشنا را به خاطر بیاورد. چرا که غالب اقلیم ایران را مناطق گرم و خشک کویری تشکیل می‌دهد و طیف رنگی آجر در حالت طبیعی یادآور رنگ خاک و کویر است. بنابراین کاربرد آن در نماهای درونی

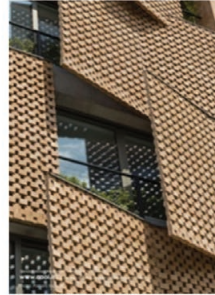
و بیرونی ساختمان، حال و هوایی از معماری تاریخی ایران را به انسان القا می‌کند (شکل ۱۹ الف). به علاوه همنشینی آجر در کنار سایر مصالح بومی نظیر گچ و چوب در باززنده‌سازی این تصویر نقش بسزایی دارد و تاثیری مضاعف می‌گذارد (شکل ۱۹ ب).



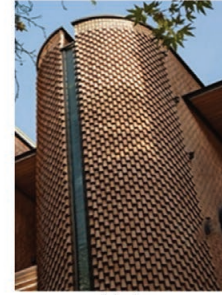
آپارتمان الهیه
(www.naqshehazal.com)



آپارتمان اجرپوش
(www.caoi.ir)



آپارتمان سعادت‌آباد
(www.caoi.ir)



خانه کاوه
(www.arel.ir)

شکل ۱۹. الف) کاربرد آجر و روش‌های چیدمانی گوناگون آن در هویت‌بخشی، ملاحظات اقلیمی و فرهنگی بنا / ب) تاثیر مضاعف همنشینی مصالح بومی آجر، گچ و چوب در هویت‌بخشی به بنا

نظم و اشکال هندسی رایج در معماری ایرانی

هندسه یکی از بنیان‌های معماری ایرانی است که ردپای آن در تمامی ارکان و اجزای آثار معماری گذشته مشاهده می‌شود. بنابراین اشکال هندسی معماری ایرانی به عنوان یکی از شاخصه‌های هویت‌مندی آن محسوب می‌شود. از این‌روی معماری معاصر با هدف پایبندی به این بنیان و حفظ هویت معماری تاریخی ایران، به بهره‌گیری از اشکال هندسی رایج در معماری ایرانی در دو کاربرد «فضایی» و «تزییناتی» پرداخته است. در کاربرد فضایی معمار از هندسه مربع یا به طور کلی چهارضلعی راست‌گوشه در ایجاد اجزای دو بعدی و سه بعدی فضا بهره گرفته است؛ چرا که این الگوها مبنای شکل‌گیری فضا در معماری ایرانی هستند (مهرداد و روشن، ۱۳۹۸) و کمک می‌کنند تا شکل‌گیری و اجرای فضا آسانتر شود، توسعه آن قابل کنترل باشد و امکان ترکیب آن به گونه‌ای که هر جزء تمامیت خود را از دست ندهد و فرم اولیه خود را حفظ کند به راحتی وجود داشته باشد. رعایت این نظم هندسی دقیق در معماری معاصر، علاوه بر اینکه یک تعادل بصری در اجزای بنا ایجاد و درک فضا را توسط مخاطب آسان می‌کند، موجب انسجام اجزای بنا با کل آن و القای حسی از ایستایی می‌شود.

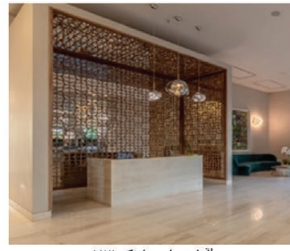
پیدایش گنجه‌ای عظیم از الگوها و نقوش هندسی در معماری ایرانی، علاوه بر کاربرد فضایی کاربرد تزییناتی نیز داشته و بخشی از تجلی مفهوم زیبایی در معماری ایرانی بوده است. از انواع نقوش در معماری ایرانی می‌توان به موتیف‌های متنوع آن اشاره کرد که بر مواد و مصالح مختلف نظیر آجر، چوب، کاشی، گچ، آینه و ... می‌نشیند و با پر و خالی‌های درون خود موجب بازی با نور و سایه در فضا می‌شود. بنابراین ویژگی اصلی این موتیف‌ها وجود هندسه دقیق و قواعد ترسیم آن است (نوایی و حاجی‌قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۷۶) که نموده‌ایی از آن را به صورت سطوح مشبک آجری، چوبی، گچی و حتی در مواردی فلزی در عرصه‌های گوناگون ساختمان‌های مسکونی اعم از جان‌پناه، جداره‌های تفکیک‌کننده، تزیینات و حاشیه سقف‌ها، نمای ساختمان و ... می‌توان مشاهده کرد (شکل ۲۰).



یک خانه دو نسل سه واحد
(www.caoi.ir)



مجتمع کامرانیه
(www.archline.ir)



اپارتمان پلاک ۲۳
(www.zhemaan.com)



اپارتمان الهیه
(www.naqsheazal.com)

شکل ۲۰. کاربرد تزئیناتی موتیف‌های معماری ایرانی در اجزا و عرصه‌های گوناگون معماری معاصر

رنگ‌های مرسوم در معماری ایرانی

رنگ در معماری ایرانی فضایی را پدید می‌آورد که از کیفیت بالایی برخوردار است و در چشم انسان همانند روپا به نظر می‌آید (حاجی قاسمی، ۱۳۹۱). اگرچه که شاید تا پنج قرن استفاده از رنگ در معماری ایرانی دیده نمی‌شد، ولیکن از قرن ششم به بعد طیف خاصی از رنگ‌ها در آثار معماری مشاهده می‌شود. استفاده از رنگ در معماری ایرانی قواعد خاصی را دنبال می‌کند و دارای محدودیت‌هایی است. اما بایستی توجه داشت که محدودیت در به کارگیری رنگ‌ها و ترکیبات آن‌ها در معماری ایرانی باعث شده است که در هنگام مواجهه با یک طیف رنگی خاص در کنار هم و یا به صورت مجزا، جلوه‌هایی از معماری تاریخی در ذهن مخاطب تداعی شود. در این میان با توجه به نمونه پروژه‌های برگزیده می‌توان تشخیص داد که برخی رنگ‌ها چه به صورت تک رنگ و چه به صورت یک طیف رنگی خاص بیشتر مورد توجه معماران بوده و در آثار معاصر نیز جهت یادآوری تصاویری آشنا از معماری ایرانی به کار رفته است. از این جمله می‌توان به طیف رنگی به کار رفته در شیشه‌های ارسی شامل رنگ‌های قرمز، آبی، نارنجی، سبز و زرد و تک رنگ آبی فیروزه‌ای و لاجوردی به ویژه در همنشینی با آجر به صورت معقلی اشاره کرد. نکته جالب توجه کاربرد این رنگ‌ها در فضا و اجزا و عناصر گوناگون معماری معاصر است. برای مثال تجلی رنگ آبی فیروزه‌ای و لاجوردی با هر متریالی به جز کاشی نظیر آجر و شیشه، به هر اندازه و در هر فضا و کالبدی اعم از کف و دیوارهای حیاط، تراس یا ایوان، عرصه‌های درونی خانه، سطوح حوض و آبنا و حتی اجزایی نظیر جان‌پناه پله‌ها و ... موجب ایجاد تعلق خاطری قوی در مخاطب و جاری ساختن حس و حالی از معماری ایرانی شده است. رنگ‌های به کار رفته در پنجره‌های ارسی نیز، با تجلی بر روی شیشه در هر فضایی و با هر کارکردی، تصویری از معماری ایرانی را یادآوری می‌کند. با تابش خورشید بر سطوح پوشیده از رنگ‌های موجود در پنجره‌های ارسی و انعکاس آن در اطراف، حس فضایی بسیار آشنا و مشابه با خانه‌های سنتی ایرانی برای مخاطب زنده می‌شود. دلیل عمده این امر فارق از موجودیت عنصر ارسی قرارگیری یک طیف رنگی خاص کنار هم و در متریالی چون شیشه با قابلیت انعکاس است (شکل ۲۱).



خانه حیات ابی
(www.caoi.ir)



مجتمع فرایبورگ
(www.mianoffice.com)



خانه پلاک ۷
(www.caoi.ir)



خانه مادر
(www.archline.ir)



عمارت سدروس
(www.aopedia.ir)

شکل ۲۱. کاربرد رنگ‌های شاخص معماری ایرانی در عرصه‌های گوناگون معماری معاصر

بحث

انواع ارجاعات صورت‌گرایانه به پیشینه معماری ایران جهت هویت‌بخشی به مسکن معاصر را می‌توان در جدول ۱ خلاصه نمود. نتایج حاصل از تحلیل رویکردهای صورت‌گرایانه در این پژوهش به معنای نقد نمونه آثار برگزیده و یا قضاوت عملکرد و دیدگاه معماران آن نیست، بلکه هدف دریافت دیدگاه‌های متفاوت در برداشت از وجوه صورت‌گرایانه معماری ایرانی است. تحلیل رویکردهای صورت‌گرا نشان می‌دهد که برخی معماران به برداشت‌های مستقیم از شکل معماری تاریخی اقدام کرده‌اند. آنان جهت تجلی صورت معماری تاریخی، همان شکل، روش و راهکاری را به کار برده‌اند که در معماری گذشته ایران نیز استفاده شده است. حتی مشخصه‌هایی از جنس مفاهیم را نیز به همان شکلی که در گذشته در کالبد بنا ظاهر گشته ایجاد کرده‌اند. به همین جهت مخاطب به مجردی که با بنا روبرو می‌شود یا در فضا قرار می‌گیرد، تصویری از معماری ایرانی در ذهنش نقش می‌بندد. حال آنکه عده‌ای دیگر از معماران برای نمایش وجوه شکلی معماری تاریخی، تغییراتی در آن جهت نشستن بر کالبد معماری معاصر و تطابق با شرایط و شیوه زندگی کنونی اعمال کرده‌اند. این عملکرد بعضاً تا حدی پیش رفته که یک فضای ملهم از ویژگی‌ها و عناصر شکلی معماری ایرانی در قیاس با نمود آن در گذشته آنقدر متفاوت به نظر می‌آید که شاید به مخاطب در رویارویی اولیه تنها حس و حالی از معماری ایرانی القا شود و تصویری در ذهن او نقش نگیرد. بنابراین این دسته از معماران برداشت‌هایی انتزاعی از صورت و شکل معماری تاریخی داشته‌اند. در این موارد، الگو، اجزا و عناصر کالبدی اگرچه ممکن است عیناً مشابه با نمود تاریخی آن نباشند و یا درست در جایگاهی که در معماری گذشته استفاده شده به کار نرفته باشند، اما به لحاظ عملکردی یادآور کالبد معماری ایرانی هستند؛ به‌نحویکه مخاطب در اولین مواجهه با فضا تصویری کاملاً آشنا برایش تداعی می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت دسته اول در برداشت‌های صورت‌گرایانه خود رویکردی «عینیت‌گرا» (ابژکتیو) و دسته دوم رویکردی «ذهنیت‌گرا» (سوبژکتیو) دارند. البته میزان و سرعت ارتباط‌گیری با هر کدام از زیرمجموعه‌های رویکرد صورت‌گرا متفاوت است. برای مثال بهره‌گیری از مصالح بومی، کاربرد اجزا و عناصر کالبدی یا رنگ‌های مرسوم معماری ایرانی، به این دلیل که در اولین برخوردهای مخاطب با بنا نمایان می‌شود، به مراتب در مقایسه با دسته‌های دیگری چون بهره‌گیری از ایده‌های سازمان‌دهنده فضا و الگوهای فضایی، سریع‌تر ادراک می‌شود. چرا که الگوهای فضایی معماری ایرانی جهت همخوانی با روش زندگی و معماری روز، با شیوه‌های جدید سازماندهی فضا تلفیق گشته و در نتیجه درک حال و هوایی که از معماری ایرانی در مکان جاری ساخته برای مخاطب زانبرتر و تا حدی دشوارتر می‌شود و به طور غالب در عملکرد فضا آشکار است. سایر زیرمجموعه‌های رویکرد صورت‌گرا نیز به همین منوال می‌توانند میزان و شدت تاثیرگذاری متفاوتی داشته باشند. البته این مورد به میزان توانایی مخاطب در شناخت و درک فضا و همچنین خاطرات و حافظه فردی وی نیز بستگی دارد.

با توجه به نمونه‌های منتخب، یکی از نقصان‌های رویکرد صورت‌گرا ضعف آن در بهره‌جویی از رویکردهای ذهنیت‌گرا و عینیت‌گرا توأمان با هم است. در معماری ایرانی شکل یا الگوی به وجود آمده نتیجه پاسخگویی به مجموعه‌ای از نیازها، رفتارها و رویدادها بوده است. این مقوله نکته بسیار مهمی است که در برخی موارد در رویکرد صورت‌گرا مورد غفلت واقع شده است. برای مثال برخی اقتباسات از وجوه صورت‌گرایانه معماری ایرانی با رویکرد عینیت‌گرا، کاربرد الگوی حیاط مرکزی بوده است. این الگو در مقیاس‌های مختلف و در هر سه نوع مسکن اعم از ویلایی (خانه کاشان)، آپارتمان (آپارتمان کامرانیه) و مجموعه مسکونی (مجموعه ولنجک) بررسی شد. اگرچه اجرای الگوی حیاط مرکزی در نمونه‌های مذکور به اجزای طرح وحدت بخشیده، بر کیفیت فضاها و حس مکان تاثیرگذار بوده و موجب خاطره‌انگیزی حیاط و فضاهای پیرامون شده است، اما اقتباس عینی از شکل آن، با عملکرد یا اهداف الگوی حیاط مرکزی در معماری ایرانی مغایر است، تا حدی که شاید

موجب تنزل جایگاه آن شده باشد. برای مثال مشاهده می‌شود که در برخی نمونه‌ها (مجموعه مسکونی باغ ونک و خانه مژده) الگوی حیاط مرکزی به دلیل محدودیت زمین به ناچار تابع شرایط موجود گشته و نظم و هندسه منظم خود را از دست داده است. گویی حیاط مرکزی باقیمانده فضاهایی است که طراحی شده‌اند. در برخی نمونه‌ها نیز (مجتمع کامرانیه) تاکید بر اجرای هندسه منظم حیاط مرکزی موجب تحمیل آن بر طرح و سازماندهی فضاهای پیرامون شده است و علاوه بر اینکه نظم و هندسه فضاهای بسته را از بین برده، در مواردی ناچار گشته فضاهای کم‌اعتبارتری را (سرویس بهداشتی در مجتمع کامرانیه) در ارتباط با حیاط قرار دهد. در حالیکه در معماری ایرانی فضای در ارتباط با حیاط از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است. به علاوه حیاط مرکزی در گذشته بستری تعامل‌پذیر، رویدادپذیر، محلی برای سکون و حرکت، تامین‌کننده نور و منظر، میزبان الگوهای رفتاری متفاوت، پاسخی به حریمیت و در یک کلام مکانی برای جریان یافتن زندگی بوده است. در حالیکه در برخی نمونه‌ها نقش آن تا حد یک فضای باز ورودی، محلی برای گذر و دسترسی به واحدهای اطراف و یا نورگیر مرکزی تنزل یافته است و به علت مشرفیت واحدهای مقابل هم، نه تنها دید و منظر مطلوب تامین نگردیده، بلکه حریم بصری نیز مخدوش شده است. در مواردی هم با اجرای این الگو در آپارتمان‌ها، ارتباط واحدها با حیاط به واسطه ارتفاع گرفتن کاهش یافته و سهم حیاط از آسمان نیز تا میزان زیادی از بین رفته است. بنابراین اگر با هدف هویت‌بخشی به معماری معاصر، بدون توجه به محتوا، تنها به اقتباس عینی از شکل معماری گذشته در بنا توجه شود، ممکن است بنا در هنگام بهره‌برداری نه تنها از لحاظ هویت‌مندی از ارزش کافی برخوردار نباشد، بلکه شکل و صورت استفاده شده اساساً موجب مزاحمت شود. این اتفاق به ویژه در مسکن که انسان بیشترین میزان ارتباط با آن را دارد به وضوح مشخص می‌شود. لذا بایستی توجه داشت که شکل و فرم هر کالبدی در پاسخ به نیازی پدید بیاید. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که میزان ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی در اقتباسات صورت‌گرایانه معماران تا حدی به برداشت‌های شخصی‌سازی شده، سلیقه و تفکر آنان بستگی دارد. در صورتیکه معماران در رجوع صورت‌گرایانه به پیشینه معماری ایرانی هر دو رویکرد ذهنیت‌گرا و عینیت‌گرا را در تعامل با هم به کار برند تا فضا هم به لحاظ عملکردی و هم بصری نمودی معاصر و تکامل یافته از نمونه تاریخی آن باشد، احتمال تحقق هویت‌مندی در بنا افزایش می‌یابد.

علیرغم تمرکز بر صورت معماری ایرانی در رویکرد صورت‌گرا، در مواردی مشاهده می‌شود که عمداً یا سهواً، ویژگی‌های معماری ایرانی و مدرن در بخش‌های مختلفی از بنا ترکیب شده‌اند. برای مثال در برخی نمونه‌ها معمار جهت ایرانی‌سازی شکل ساختمان و هویت‌بخشی به آن، از اصول و قواعد هم‌نشینی اجزا در نمای ساختمان بهره برده است. اما توأمان جهت‌فاسازی در نما، حجم‌هایی در آن به وجود آورده یا به اصطلاح بازی حجمی کرده است (مجموعه ولنجک)؛ اقدامی که جزو مبانی معماری مدرن محسوب می‌شود و در معماری تاریخی ایران رخ نداده است. در مثالی دیگر طراح جهت بهره‌مندی از الگوهای فضایی معماری ایرانی، حیاطی مرکزی ایجاد کرده و فضاهای بسته (واحدها) را پیرامون آن چیده است تا بدین طریق فضایی آشنا بیافریند و به بنا رنگی از هویت ببخشد. سپس برای تامین دسترسی به فضاهای بسته از پلکان در نقطه‌ای از حیاط بهره گرفته است. اتفاقی که هیچگاه در معماری ایرانی رخ نداده و اولین بار در معماری مدرن پدید آمده است؛ چرا که در معماری ایرانی تلاش می‌شد پله را از نظر پنهان کنند تا حالت سکون و طمأنینه فضا را برهم نزنند. در مواردی نیز عملکرد معمار می‌تواند هم انعکاس‌دهنده اصول معماری مدرن و هم معماری ایرانی باشد. برای مثال در برخی نمونه‌ها سادگی نمای ساختمان‌ها می‌تواند هم مرتبط با اصل پرهیز از بیهودگی در معماری ایرانی باشد و هم به اصل اختصارگرایی در معماری مدرن اشاره کند. به طور کلی شاید بتوان ادعا کرد که اقتباس شکلی از معماری ایرانی فارغ از محتوا و کاربردش در معماری معاصر، از یک سو برخاسته از نگاه تجزیه‌گرایانه و از سوی دیگر نگاه بی‌ژوال است، که در معنای کلی هر دو از مشخصه‌های معماری مدرن هستند.

جدول ۱. انواع رویکردهای صورت‌گرا در رجوع به معماری تاریخی ایران

انواع رویکردهای صورت‌گرا	زیرمجموعه‌های هر رویکرد
الگوهای فضایی در معماری ایرانی	۱- حیاط مرکزی ۲- چهارصفه ۳- باغ ایرانی ۴- الگو و کارکرد تک فضاهای معماری ایرانی
ایده‌های سازمان‌دهنده فضا در معماری ایرانی	۱- انتظام مرکزی ۲- انتظام محوری ۳- ترکیب نظام فضایی مرکزی و محوری ۴- اصول همنشینی اجزا در معماری ایرانی (تقارن، تکرار، قاب‌بندی، تضاد)
عناصر و اجزای کالبدی در معماری ایرانی	پوشش دهانه و سقف: قوس، گنبد، گلجام و ... اجزای بدنه: ارسی، طاقچه و ...
مصالح رایج در معماری ایرانی	بهره‌گیری از آجر، چوب، گچ و ... به صورت مجزا یا در هم‌نشینی با هم با تکیه بر تکنیک‌ها و روش‌های چیدمانی منحصر به فرد آن‌ها.
نظم و اشکال هندسی رایج در معماری ایرانی	۱- کاربرد فضایی (بهره‌گیری از هندسه چهارضلعی راست‌گوشه) ۲- کاربرد تزئیناتی (بهره‌گیری از موتیف‌های معماری ایرانی)
رنگ‌های مرسوم در معماری ایرانی	تک رنگ‌های شاخص: آبی فیروزی‌ای، آبی لاجوردی و ... طیف رنگی شاخص: رنگ‌های موجود در پنجره‌های ارسی

نتیجه‌گیری

هویت‌بخشی به معماری مسکن معاصر با الهام از صورت‌هایی از معماری ایرانی که وابسته به فرهنگ اند، قابلیت‌های فضا در پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی انسان، شیوه جدید زندگی، ایجاد حس تعلق در مکان و بخشیدن شخصیت به فضا است. چنین معماری در صورتیکه به درستی محقق شود، علاوه بر اینکه در هماهنگی و تداوم با معماری اصیل ایرانیست، بیانگر شرایط و روح زمانه خود است. تمامی اقدامات انجام شده جهت هویت‌بخشی به مسکن در نمونه آثار تحلیل شده، در راستای ایجاد یک نوع همبستگی و رابطه قوی میان انسان و مسکن بوده است. این رابطه به واسطه وجوه بصری، شکلی و فرمی بنا، خاطره‌انگیزی آن برای مخاطب و همچنین پاسخگویی به نیازهای مختلف از طریق صورت‌های وام‌گیری شده از معماری تاریخی بوده است. هر چه میزان این ارتباط و حس تعلق در کارکردی نظیر مسکن بیشتر و قوی‌تر باشد، هویت‌مندی فضا نیز در درجه‌ای بالاتر تحقق می‌یابد. انواع رجاعات صورت‌گرایانه به پیشینه معماری ایران جهت هویت‌بخشی به آثار مسکونی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که این رجاعات عمدتاً با دو رویکرد ذهنیت‌گرا (سوپرژکتیو) و عینیت‌گرا (ابژکتیو) همراه بوده‌اند و اقتباسات شکلی از معماری ایرانی، برخاسته از دو نگاه تجزیه‌گرایانه و ویژوال (کل‌گرایانه) است. رویکردهای ذهنیت‌گرا به لحاظ عمق دید، ژرف‌تر محسوب می‌شوند و توانایی بیشتری در مطابقت با معماری، نیازها و شیوه زندگی معاصر دارند. در رویکرد ذهنیت‌گرا ضمن وام‌گیری صورت‌گرایانه از معماری تاریخی ایران، پیوند و تعامل لازم و کافی با اصول، شیوه‌ها و تکنیک‌های معماری معاصر برقرار شده و عملکرد مطلوب در فضا تامین گردیده است. به طوریکه فضاهای مسکن پاسخگوی نیازهای ساکنین است و عملکرد مورد انتظار از صورت‌وام گرفته شده محقق می‌شود. از طرفی رویکرد عینیت‌گرا به واسطه کاربرد هر الگو، جزء، عنصر یا ... به همان شکل و در همان جایگاه استفاده شده در معماری گذشته، موجب خاطره‌انگیزی فضاهای مسکن و تداعی تصویری آشنا به محض مواجهه مخاطب با آن می‌شود. اما بایستی توجه داشت که برداشت عینی از وجوه صورت‌گرایانه معماری ایرانی، اگرچه موجب خاطره‌انگیزی فضا می‌شود، اما هیچگاه یک فضا صرف

خاطره‌انگیز شدن هویت‌مند نمی‌شود؛ بلکه این مرادفه اجتماعی و فضایی در یک محیط است که به آن هویت می‌بخشد. این مقوله به ویژه در مسکن که بیشترین میزان ارتباط با انسان را دارد بسیار حائز اهمیت است. در صورتیکه قصد الهام و بهره‌گیری از شکل و فرم خاصی از معماری ایرانی در کالبد مسکن معاصر وجود داشته باشد، لازم است تا به قواعد و ملزومات عملکردی ایجاد آن نیز توجه شود تا برداشت صورت‌گرایانه تنها به معنای وام‌گرفتن از شکل معماری تاریخی نباشد. بنابراین به نظر می‌رسد که بایستی تعاملی اندیشمندانه و مدیریت شده میان انواع زیرمجموعه‌های رویکرد صورت‌گرا اعم از ذهنی و عینی لحاظ گردد تا یکدیگر را تکامل ببخشند و امکان بروز سطحی‌نگری‌های احتمالی با توجه کافی به شکل و محتوا توأمان با هم کاهش یابد. به گونه‌ای که هم عملکرد و کارکرد فضا هماهنگ با شرایط زندگی و معماری معاصر باشد و هم موجب خاطره‌انگیزی و تداعی تصاویر آشنایی که رنگ تعلق دارند گردد. در این حالت هویت‌بخشی به معماری مسکن معاصر بر پایه پیشینه معماری ایرانی در درجه‌ای به مراتب قوی‌تر صورت می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نمونه آثار برگزیده در تحقیق

جدول ۲. نمونه آثار برگزیده در تحقیق

اثر	معمار	موقعیت/سال ساخت	اثر	معمار	موقعیت/سال ساخت
مجتمع جلفا	علی اکبر صارمی	اصفهان، جلفا ۱۳۶۶-۱۳۶۸	مجتمع الهیه	بهروز بیات	تهران، فرشته ۱۳۸۱
یک خانه دو نسل سه واحد	فیروز فیروز	تهران، شهرک گلستان ۱۳۸۷-۱۳۹۷	آپارتمان رو به طلوع	بهروز منصوری	تهران، فشم ۱۳۹۴-۱۳۹۸
مجتمع ملک	بهروز شهبازی	اصفهان، خیابان ملک ۱۳۹۷	خانه افشار	علی اکبر صارمی	تهران، زعفرانیه ۱۳۵۵-۱۳۵۳
مجتمع کامرانیه	فرامرز شریفی	تهران، فرمانیه ۱۳۶۹-۱۳۷۲	آپارتمان شهرپور	علی کرمانیان	تهران، محمودیه
خانه شماره ۷	کامران کویایی	اصفهان، چهارباغ ۱۳۹۷	آپارتمان ازگل	هومن بالاژاده	تهران، آبشار ۱۳۹۴-۱۳۹۷
مجتمع آجرپوش	شعبان موسوی امیر فاضل	تهران، خیابان نفیسی ۱۳۹۱-۱۳۹۳	مجتمع فرایبورگ	ابوذر صالحی مهشید کریمی	اصفهان، فرایبورگ ۱۳۹۶
عمارت نظر	ابوذر صالحی مهشید کریمی	اصفهان، کمال اسماعیل ۱۳۹۵-۱۳۹۸	ارسی خانه	نیما کیوانی سینا کیوانی	تهران، گیشا ۱۳۹۲-۱۳۹۴
خانه حاجی بابا	فیروز فیروز	تهران، لواسان ۱۳۹۱-۱۳۹۴	دو خانه برای دو دوست	فیروز فیروز	گنبد کاووس ۱۳۴۴
خانه کاشان	سپیده مسعودی نژاد	کاشان، خیابان امیرکبیر ۱۳۸۹-۱۳۹۰	مجموعه گوشواره‌ها	رضا حبیب‌زاده	تهران، درکه ۱۳۹۱-۱۳۹۵
مجموعه باغ ونک	رضا حبیب‌زاده	تهران، ده ونک ۱۳۸۶-۱۳۸۹	مجتمع سایه‌ها	رضا حبیب‌زاده	کرج، عظیمیه ۱۳۹۰-۱۳۹۳
ساختمان دربند	کامران صفامنش	تهران، دربند ۱۳۶۹	مجموعه ولنجک	مهوش عالمی	تهران، ولنجک ۱۳۵۵
خانه مژده	فرخ قهرمانی	تهران، نیاوران ۱۳۵۷	مجتمع بهاران	محمد رضا نیکبخت	تهران، ولنجک ۱۳۸۱
خانه کوهبر	مهدی علیزاده	تهران، الهیه ۱۳۵۶	مجتمع الهیه	هادی ندیمی	تهران، الهیه ۱۳۸۰-۱۳۸۲
خانه فروردین	بهروز شهبازی	اصفهان، خیابان استانداری ۱۳۹۴	خانه مادر	سپیده علمی	کرج، هفت‌تیر ۱۳۹۵
مجتمع پلاک ۲۳	فیروز فیروز	تهران، محمودیه ۱۳۹۸	مجتمع نیاوران	محمد رضا نیکبخت	تهران، نیاوران ۱۳۸۴
خانه حیات آبی	علی سلطانی عاطفه کرباسی علی دهقانی بهنام امامی	اصفهان، بلوار عباسپور ۱۳۹۶-۱۳۹۵	خانه‌ای از رف	علی سلطانی عاطفه کرباسی علی دهقانی	اصفهان، نجف‌آباد ۱۳۹۳
خانه کاوه	بهزاد حیدری شیرین صمدیان	تهران ۱۳۹۲	آپارتمان سعادت‌آباد	محسن کاظمیان	تهران ۱۳۹۵-۱۳۹۷
یست‌خانه	محمد خاوریان امیر شهزاد	یزد، صفاییه ۱۳۹۴-۱۳۹۵	عمارت سدروس	محمد مهدی سعیدی	تهران، نیاوران

فهرست منابع

- اردلان، نادر، و بختیار، لاله (۱۳۸۰). حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی (مترجم: حمید شاهرخ). تهران: نشر خاک.
- استودیو معماری همان (۱۳۹۷). آپارتمان مسکونی ملک. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از www.hamaanstudio.com.
- آصفی، مازیار، و ایمانی، الناز (۱۳۹۵). بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴(۱۱)، ۵۶-۷۵.
- اعتصام، ایرج (۱۳۷۴). بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا. اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی تهران، ۸۹-۱۱۰.
- اوچیزی، سمیه، و مهدی‌نژاد، جمال‌الدین (۱۳۹۸). بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء هویت ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری اسلامی و ایرانی، ۲(۴)، ۳۳-۴۵.
- آهوپی، صادق، احمدی دیسفانی، یدالله، و کلانتری خلیل‌آباد، حسین (۱۴۰۰). بازشناسی هویت خانه‌های سنتی ایرانی با تکیه بر عناصر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هویت‌ساز. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۴۱، ۷۴-۹۱.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- بمانیان، محمدرضا، غلامی رستم، نسیم، و رحمت پناه، جنت (۱۳۸۹). عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، نمونه موردی: خانه رسولیان یزد. مطالعات هنر اسلامی، ۷(۱۳)، ۶۸-۵۵.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۵). خانه (از آغاز پهلوی اول تا دههٔ چهل شمسی). دوفصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات معماری ایران، ۵(۱۰)، ۲۴۲-۲۲۹.
- ثمین شریفی میاوقی، ابراهیم، یعقوبی سنقرچی، معصومه، و حق‌لسان، مسعود (۱۳۹۸). ارزیابی مؤلفه‌های ارزشی معماری مسکن مطلوب بر اساس نظام معرفتی اسلام (نمونه موردی: خانه‌های معاصر ارومیه). نشریه علمی آموزش و ارزشیابی، ۱۲(۴۸)، ۶۲-۳۳.
- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۹۱). شاخصه‌های معماری اسلامی ایران. صغه، ۵۸، ۵-۱۸.
- حاجی قاسمی، کامبیز، و نوایی، کامبیز (۱۳۹۰). خشت و خیال. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، سروش.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۵). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حسین‌پور، رضا، بلالی اسکویی، آرزینا، و کی‌نژاد، علی (۱۳۹۷). ارزیابی مفاهیم اسلامی طراحی مسکن، با هدف بازآفرینی در مسکن معاصر. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۶(۲۰)، ۴۸-۲۱.
- حمزه‌نژاد، مهدی، و رادمهر، مهسا (۱۳۹۶). تحلیل اصول فضایی و الگوگرایی بینه در معماری الگوگرایی معاصر ایران. بررسی موردی: سازمان میراث فرهنگی کشور. دوفصلنامه معماری ایرانی، ۱۱، ۱۴۵-۱۶۸.
- خاقانپور شاهرزائی، ریحانه، و خوئی، حمیدرضا (۱۳۹۶). نسبت امروز و گذشته در آثاری از معماری مسکونی معاصر تهران. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۲(۱)، ۱۰۴-۸۹.
- خدای‌پور، اکرم، ذبیحی، حسین، و مفیدی شمیرانی، مجید (۱۳۹۹). ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتقاء هویت منظر معماری در نماهای معاصر. فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۱)، ۲۱۴-۱۹۷.
- خط معمار (۱۳۹۴). معماری مجتمع مسکونی کامرانیه. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://archline.ir>
- خط معمار (۱۳۹۴). ساختمان مسکونی بهاران. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://archline.ir>
- خط معمار (۱۳۹۹). معماری خانه مادر. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://archline.ir>
- دانشنامه هنر معماری (۱۳۹۸). خانه افشار. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://aoapedia.ir>
- دانشنامه هنر معماری (۱۳۹۸). مجتمع مسکونی سایه‌ها. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://aoapedia.ir>
- دانشنامه هنر معماری (۱۳۹۸). عمارت سدروس. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://aoapedia.ir>
- دانشنامه هنر معماری (۱۳۹۹). مجتمع مسکونی باغ و تک. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://aoapedia.ir>
- دفتر معماری میان (۱۳۹۹). ساختمان مسکونی فرایبورگ. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <http://mianoffice.com>
- ژیمان، ساختمان پلاک ۲۳ (۱۳۹۹). دسترسی در تیر ۱۴۰۰ از <https://zhemaan.com/famous-contemporary-architecture-projects>
- صارمی، علی‌اکبر، و رادمرد، تقی (۱۳۷۶). ارزش‌های پایدار در معماری ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- عبدالحسینی، جواد (۱۳۹۰). سازگار کردن طراحی خانه‌های مسکونی تبریز و باکو با فرهنگ و اقلیم بومی. فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، مرکز پژوهشی هنر و معماری و شهرسازی نظر، ۸ (۱۸)، ۲۴-۱۳.
- علیزاده، مهدی (۱۳۹۶). معماری مهدی علیزاده. معمار، ۱۰۷، ۸-۳۴.
- غفاری‌سده، علی (۱۳۷۳). سازمان‌های فضایی در معماری شهرهای سنتی ایران، صفه، ۴، ۲۶-۳۷.
- قبادیان، وحید (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی معماری معاصر در ایران. تهران: علم معمار و رویال.
- قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷). مفهوم هویت و معماری امروز ایران. آینه خیال، ۱۰، ۷۸-۸۳.
- کرمانیان، علی (۱۳۸۴). کارهای علی کرمانیان. معمار، ۲۰، ۳۰-۴۵.
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۳). معماری دوره پهلوی اول دگرگونی اندیشه‌ها. پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۳۳۰-۱۲۹۹. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- تحریریه معماری آرل (۱۳۹۴). بازسازی خانه کاوه. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://www.arel.ir/fa/News-View-2579.html>
- معماری معاصر ایران (۱۳۹۸). ساختمان یک خانه دو نسل سه واحد. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <http://www.caoi.ir/fa/projects/item/1337>
- معماری معاصر ایران (۱۳۹۸). خانه شماره ۷. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <http://www.caoi.ir/fa/projects/item/1354>
- معماری معاصر ایران (۱۳۹۸). ساختمان سعادت‌آباد. دسترسی در تیر ۱۳۹۹ از <http://www.caoi.ir/fa/projects/item/1308>
- معماری معاصر ایران (۱۳۹۸). خانه حیات آبی. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <http://www.caoi.ir/fa/projects/item/1358>
- معماری معاصر ایران (۱۳۹۹). خانه کاشان. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <http://www.caoi.ir/fa/projects/item/934>
- معماری معاصر ایران (۱۳۹۹). ساختمان آجرپوش. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <http://www.caoi.ir/fa/projects/item/816>
- معماری معاصر ایران (۱۳۹۹). بیست‌خانه. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <http://www.caoi.ir/fa/projects/item/1090>
- ممانی، حمید، یاری، فهمیه، و حقیر، سعید (۱۳۹۷). مؤلفه‌های معماری ایرانی- اسلامی و نقش هویت‌بخش تزئینات. فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۶(۲۱)، ۳۷-۴۶.
- مهرداد، جواد، و روشن، محسن (۱۳۹۸). الگوهای هندسی معماری ایران و بررسی این الگوها از پیدایش اولین تمدن‌ها تا دوران معاصر. معماری و شهرسازی ایران، ۱۳، ۱-۱۱.
- مهندسین مشاور تجیر. مجتمع مسکونی جلفا. دسترسی در بهمن ۱۳۹۹ از <https://tajeerarch.com>
- مهندسان مشاور نقش‌ازل. خانه‌الهی (۱۳۹۰). دسترسی در تیر ۱۳۹۹ از <http://naqsheazal.com/?portfolio=elahieh-residential>
- میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. هنرهای زیبا، ۱۹، ۲۹-۳۸.
- نصر، طاهره، و ماجدی، حمید (۱۳۹۲). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۱۱، ۲۶۹-۲۷۷.
- نظام‌دوست، امیررضا، کلانتری خلیل‌آباد، حسین، و یاری، علی (۱۳۹۸). تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه‌گرا در شهر کاشان مطالعه موردی: خانه‌های تاریخی منتخب دوره قاجار. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۰(۳۸)، ۱۹-۵.
- Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. London: Architectural Press.
- Strauss, A. L., & Corbin, J. M. (1997). *Grounded theory in practice*. San Jose State University, USA: Sage Publications.

Formalistic References to the Architectural Background of Iran to Assign Identity to Contemporary Housing

Parisa Saeidi

M. A. Iranian Architectural Studies, Department of Architecture and Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran
(Corresponding Author)

Aboozar Salehi

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mohsen Afshary

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

With the emergence of extroversion and new construction techniques and styles such as apartments, villas and residential complexes during the contemporary era, housing architecture in Iran did not materialize properly as in the past. Thus, it no longer thoroughly reflected the identity and cultural background of society and it gradually suffered from an identity crisis. In this regard, several identity trends (from first Pahlavi period) started in the contemporary era and architects with different points of view referred to Iran historical architecture and tried to revive its identity through various adaptations. Some of these references were made with formalist approaches, whereas shape and form are always one of the prominent aspects of architecture. In order to specify and explain all types of form-oriented approaches in reference to Iranian architecture, a number of contemporary residential buildings that have been designed and implemented with identity concerns were selected in this research. The evaluation of the buildings was conducted through observation, literature review, and using the theories of its architects and critics, in a descriptive-analytical manner and from a formalistic perspective. Thus, the types of formalist approaches that appeared in the body of works to identify the Iranian architectural features of the building were extracted and explained. Explaining the various aspects and features of the formalist approaches taken from real examples, shows the physical manifestation of architects' identity-seeking thoughts, provides the opportunity to compare the different actions of architects in giving identity to housing from a formalist perspective, and provides the possibility of improving the weaknesses and enhancing the strengths. This is an important step in evaluating the identity of housing in contemporary architecture of Iran and is a necessity that can lead to the continuation of Iranian architecture. Various types of form-oriented approaches that have been used in the contemporary residential buildings in order to revive the architectural identity of Iran, can be divided into several groups, including the use of "spatial patterns", "space organizing ideas", "physical elements and components", "indigenous materials", "common geometric order and shapes and patterns" and "conventional colors" in Iranian architecture. By examining and analyzing these subsets two different approaches in formalistic references to historic architecture were identified namely, "subjectivist" and "objectivist". It also revealed the extent to which each of the subjectivist and objectivist viewpoints was able to revive Iranian architectural identity in contemporary housing, and explained the ability of each approach to make connections with people to represent different manifestations of Iranian architecture. It pointed out that if the revival of Iranian architectural identity in the contemporary era is attended by referring to the formative aspects of historic architecture, it requires a thoughtful interaction between objectivism and subjectivism in the formative approaches, to meet the emerging needs and lifestyles of people. In addition to its appearance, the main application of historic architectural forms should also be considered.

Keywords: Revival of identity, formalistic approaches, historic architecture of Iran, contemporary housing